



«روحانیت اصیل، از دیدگاه امام خمینی (ره)»

سیاست حق عالمان ربّانی است

ح. یزدی

این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت‌پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند

مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آن‌ها به علمای بیدار اسلام.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۱

رویارویی عالمان با ستمگران، پیمان الهی است

علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد... مگر نه

سیاست، حق عالمان است
سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حق است، ... سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه برد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این

و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دوچهره‌ها و روحانی‌نمایان و دین به دنیافروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق‌گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امت‌های اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند.

صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۹

دخالت نکردن عالمان در سیاست، نقشه استعمار است

از جنجال چند نفر غریزه و سرسپرده نوکرهای استعمار هراس به خود راه ندهید. اسلام را به مردم معرفی کنید تا نسل جوان تصور نکند که آخوندها در گوشه نجف یا قم دارند احکام حیض و نفاس می‌خوانند و کاری به سیاست ندارند؛ و باید دیانت از سیاست جدا باشد. این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. این را بی‌دین‌ها می‌گویند. مگر زمان پیغمبر اکرم (ص) سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عده‌ای روحانی بودند، و عده دیگر سیاستمدار و زمامدار؟ مگر زمان خلفای حق، یا ناحق، زمان خلافت حضرت امیر (ع) سیاست از دیانت جدا بود؟ دو دستگاه بود؟ این حرف‌ها را استعمارگران و عمال سیاسی آن‌ها درست کرده‌اند تا دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند؛ و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند. در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده، و ثروت‌های ما را غارت کنند. منظور آن‌ها همین است.

ولایت فقیه، حکومت اسلامی، متن، ص ۲۳

فقیه در سیاست دخالت می‌کند
کوشش کنید آقایان در تهذیب نفس،

در تحکیم مبادی اسلام، در تحکیم فقه اسلام، در بسط فقه اسلام؛ این فقه غنی. در عالم مثل فقه شما چیزی نیست؛ این فقه غنی را بسطش بدهید. لکن در عین حالی که فقیه هستید جناح سیاست را رها نکنید. تفکر کنید در امور، وارد بشوید در امور، دخالت کنید در امور. «من فقیهم و دیگر کاری ندارم به چیزی»، نمی‌شود این. شما فقیه هستید ولی باید در امور دخالت کنید، در مقدرات مردم دخالت کنید. شما پاسداران اسلام هستید؛ باید پاسداری کنید.

صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۹۰

**روحانیون باید در صحنه
باشند. علمای اعلام نباید
بروند کنار بنشینند تا مقدرات
آن‌ها در آمریکا تدوین بشود
و یا در شوروی تدوین بشود.
حتی این آخری می‌گفتند که
با قداست این‌ها مخالف است؛
با قداست اهل علم، وارد شدن
در حکومت و سیاست مخالف
است. این قداست در زمان
حضرت رسول نبوده؟**

**حضرت رسول قداستش
محفوظ نمی‌مانده؟ حضرت
امیر قداست نداشته؟ حضرت
سیدالشهدا و امام حسن
قداست نداشته‌اند؟ می‌خواستند
چشم و گوش همه ما را ببندند.**

**دخالت نکردن عالمان در امور مملکتی،
نقشه شیطانی است**

همه ما و همه شما و همه نسل‌های آتیه،
آن‌ها باید چشم و گوششان را باز کنند

که دوباره هی شیطان‌ها نیانند تزریق کنند که آقا، علما را چه به سیاست. علما را چه به دخالت در امور مملکتی. این یک نقشه شیطانی است که الآن هم مشغول پیاده کردن آن هستند و مشغول تبلیغاتش هستند و بناءً علیه بر شما ائمه جمعه و جماعت و بر همه ائمه جمعه‌ها و جماعت‌ها در همه قطرهای اسلامی، در همه ممالک اسلامی این مطلب لازم است بلکه فرض است که مردم را بیدار کنید و به مردم بفهمانید این معنا را که این نغمه‌ای که در همه ممالک اسلامی بلند است که علما نباید دخالت در سیاست بکنند، این یک نقشه‌ای است مال ابرقدرت‌ها. مجری‌اش این‌ها هستند که در داخل کشورها هستند. به حرف این‌ها گوش ندهید. و بخوانید به گوش ملت که ملت بفهمد این معنا را که این نغمه، نغمه‌ای است که می‌خواهند علما را از سیاست کنار بزنند، و آن بکنند که در زمان‌های سابق بر ما گذشته است. بیدار باشیم و همه توجه به این معنا داشته باشیم. و نسل‌های آینده هم توجه به این معنا داشته باشند که راهشان را یک وقت، این راهی که الآن مسلمین خودشان این راه را پیدا کرده‌اند، این راه را گم نکنند آن‌ها.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۵

مبادا روحانیت به کنج انزوا برگردد

برادران عزیز من، فرزندان اسلام! توجه داشته باشید که باز یک جریان در کار است شما را منعزل کنند از این امری که در او هستید. مبادا گروه‌ها یا آن‌هایی که نمی‌خواهند روحانیون در این کشورها نفس بکشند شما را اغفال کنند و برگردانند به کنج‌های مدارس و منزوی کنند در حجره‌ها! شما همان طوری که علم باید بیاموزید و تقوا در رأس برنامه شما باشد، [در] مهیا بودن از برای دخالت در امور سیاسی و امور اجتماعی و دخالت در مشکلات مسلمین و حاضر بودن از برای دفاع از کشور اسلامی هم باید

کوشش کنید.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۸۷

روحانیت باید در صحنه باشد

روحانیین باید در صحنه باشند. باید همه این حرف‌های نامربوطی که زده بودند و شما را می‌خواستند از دخالت در امور جامعه کنار بگذارند... **علمای اعلام نباید بروند کنار بنشینند تا مقدرات آن‌ها در امریکا تدوین بشود** و یا در شوروی تدوین بشود... حتی این آخری می‌گفتند که با قداست این‌ها مخالف است؛ با قداست اهل علم، وارد شدن در حکومت و سیاست مخالف است. این قداست در زمان حضرت رسول نبوده؟ حضرت رسول قداستش محفوظ نمی‌مانده؟ حضرت امیر قداست نداشته؟ حضرت سیدالشهدا و امام حسن قداست نداشتند؟ می‌خواستند چشم و گوش همه ما را ببندند و می‌خواهند هم. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۴

تحقق فقه عملی اسلام وظیفه روحانیت است

ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الامادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبیای عکس العمل مناسب باشند.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۳

روحانیت در انتخابات کنار نکشد

به جامعه محترم روحانیت خصوصاً

مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کنار نکشند و بی تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج‌ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غریزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد.

اکنون که بحمد الله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملت‌ها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۱

حفظ قداست روحانیت، حيله‌ای برای کنار زدن روحانیت است

برنامه دولت‌ها در زمان طاغوت این بود. و دامن زده بودند به این که نگذارند روحانیون در سیاست دخالت بکنند. و

شاید بسیاری از خود روحانیون هم باورشان آمده بود که نباید در امور سیاسی دخالت کنند. و بسیاری از جوان‌های ما هم باورشان آمده بود که نباید این‌ها در امور سیاسی دخالت بکنند. حتی، از قراری که گفتند، یکی از همین افراد فاسد وابسته، در همین چند روز، در یک جایی به این صورت گفته بود که ما می‌خواهیم قداست روحانیون محفوظ باشد؛ این‌ها دخالت در امور مملکتی نکنند تا قداستشان محفوظ باشد! این یک حيله‌ای است که غربی‌ها به کار بردند؛ و وابستگان به آن‌ها هم از آن‌ها تقلید کردند به اسم این که قداست این‌ها محفوظ باشد؛ یعنی این‌ها همان برون‌توی مسجدها و دعا بخوانند تا قداستشان محفوظ باشد، و کاری به مملکت و کاری به دولت و کاری به مجلس و کاری به دیگر قشرهایی که باید باشد نداشته باشند؛ این‌ها را بگذارند برای چپاولگرها، و دعا و ذکر خودشان را بگویند و کاری نداشته باشند. این یک برنامه‌ای است که ریخته شده است و ریخته شده بوده است در سال‌های طولانی... حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶

اگر فقیه کنج منزل بنشیند و در هیچ امری از امور دخالت نکند، نه قوانین اسلام را حفظ کند، نه احکام اسلام را نشر دهد، نه دخالت در امور اجتماعی مسلمانان کند، و نه اهتمام به امور مسلمین داشته باشد، به او «حصن الاسلام» گفته می‌شود؟ او حافظ اسلام است؟... این چه «حصنی» است که هر گوشه‌ای را به آقای «حصن الاسلام» عرضه بداریم عذرخواهی می‌کند؟! آیا معنی «حصن» همین است؟ ولایت فقیه، حکومت اسلامی، متن، ص ۶۸